

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی			

تحفه‌هایی از گنجینه‌ی معارف حضرت زهرا علیها السلام

حدیث اول:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فرمودند: چه آرزو و خواسته‌ای داری؟ چه حاجتی داری، بگو؛ چراکه فرشته‌ی وحی همین الان در کنار من رسول الله است و از جانب خدای متعال پیغام آورده است که هرچه فاطمه آرزو کند، تحقق خواهد یافت؛ بنابراین فاطمه جان! هر چه آرزو داری همین الان درخواست کن. حال ببینید فاطمه علیها السلام در پاسخ پدر چه بیان می‌کنند: «قالت شغلتني عن مسألته لذة خدمته، لا حاجة لي غير النظر إلى وجهه الكريم»<sup>۱</sup> این اوج بلندای عرفان فاطمه علیها السلام است. فاطمه علیها السلام خدمت پدر عرضه داشتند که لذت خدمت به خدای متعال چنان مرا مشغول خودش کرده است که اصلاً نمی‌توانم به هیچ درخواستی فکر کنم؛ هیچ خواسته‌ای ندارم. لذت خدمت خدای متعال مرا از هر درخواست و آرزویی بازداشته است و حاجتی هم جز نظر به وجه کریم الهی، جز لقاء خدا و دیدار و نگاه به وجه‌الله ندارم؛ همان چیزی که قرآن کریم فرمود: «وَجْهٌ يُؤْمِنُ نَاصِرَةٌ؛ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ»<sup>۲</sup> آن چهره‌های شاداب و سرشار از نشاط و شادی‌یی که به پروردگار و ربّ خودشان نظر می‌کنند؛ اینجا فاطمه‌ی زهرا علیها السلام تنها حاجت خود را این بیان می‌کند که: «لا حاجة لي غير النظر إلى وجهه

<sup>۱</sup>. محمد دشتی، نهج الحیة (فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام)، حدیث ۵۶.

<sup>۲</sup>. سوره‌ی قیامت، آیه‌های ۲۲ و ۲۳.

الکریم» هیچ حاجتی، چه دنیایی و چه اخروی جز نظر به وجه کریم حضرت حق و پروردگار متعال ندارم. این یک حدیث که از نظر حقایق عرفانی، حدیث بسیار بلندی است.

حدیث دوم:

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فرمودند: «مَنْ أَعَدَّ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ»<sup>۳</sup> هر کس که عبادت خالصانه‌ی خود را به محضر الوهیت بفرستد؛ عبادتی که هیچ چشم‌داشتی به خاطر آن عبادت ندارد؛ عبادتی که فقط به خاطر اینکه بندگی خدا را به جا آورده باشد، آن را انجام می‌دهد؛ هیچ چیز نه دنیایی و نه اخروی در پرتو آن عبادت نمی‌خواهد، خدای عزوجل هم بهترین مصلحت‌های او را به‌سویش فرو می‌فرستد. عبادت خالصانه هم جز از عشق بر نمی‌خیزد. مکرراً خدمت عزیزان عرض کرده‌ام که خلوص میوه‌ی عشق است؛ چون تا انسان خودش را می‌بیند، به فکر منافع و زیان ندیدن خودش است؛ اما وقتی خودش را ندید، به سود و زیان خودش هم نمی‌اندیشد. چه زمانی انسان خودش را نمی‌بیند؟ وقتی که غرق عشق معشوقی شود. بنابر حدیثی که منسوب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است، ایشان فرمودند: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ»<sup>۴</sup> عشق و محبت تو به یک چیز تو را کر و کور می‌کند و جز معشوق هیچ چیز را نخواهی دید. به تعبیر حافظ شیرازی:

چنان پر شد فضای سینه از دوست      که یاد خویش گم شد از ضمیرم

انسان اهل محبت و عشق، یاد خود را فراموش می‌کند. کسی که به یاد خودش نیست، طبیعتاً به یاد سود و زیان خودش هم نیست؛ بنابراین انگیزاننده‌ی او برای عمل، سودجویی یا گریز از زیان نخواهد بود؛ آن‌گاه این عمل، عمل خالص می‌شود.

<sup>۳</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹ و ابن فهد حلی، عدة الداعی و نجاج الساعی، ص ۲۳۳.

<sup>۴</sup>. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰.

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فرمودند: کسی که عبادت خالصانه‌ی خود را به محضر الوهیت بفرستد، خدای عزوجل هم بهترین مصلحت‌های او را به سویش فرو می‌فرستد. بدون اینکه او درخواستی کرده باشد، خدای متعال در پاسخ این عبادت بی‌ریا و بی‌غرض، بهترین مصلحت‌ها را در زندگی برای او جاری می‌کند.

حدیث سوم:

«قالت حُبَّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ» فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فرمودند: من از دنیای شما سه چیز را خیلی دوست می‌دارم؛ سه چیز محبوب من است؛ اولاً گفت «دُنْيَاكُمْ» چون فاطمه در دنیا نیست؛ فاطمه علیها السلام. اهل دنیا نیست؛ دنیا مال اهل دنیا است؛ لذا فرمود دنیای شما، نگفت دنیای خودم، نگفت دنیای ما، گفت از دنیای شما. «حُبَّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ» سه چیز از دنیای شما نزد من محبوبیت دارد؛ آن سه چیست؟ «تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ» یکی تلاوت آیات قرآن کریم که در این دنیا خیلی دوست دارم. «و النَّظْرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ» دومین چیزی که در این دنیا خیلی دوست دارم، نگاه کردن به سیمای پدرم رسول خدا است. «و الْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» سومین چیزی که از دنیای شما خیلی دوست دارم، انفاق کردن در راه خدای متعال است. اینها آموزهای بلندی است که از معارف فاطمی می‌توان آموخت و برای زندگی کردن الگو و درس گرفت.

حدیث چهارم:

«قالت في المائدة اثنتا عشرة خصلة يحب علي كل مسلم أن يعرفها» حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: در غذا خوردن دوازده خصلت و دوازده نکته‌ی ارزشمند وجود دارد که سزاوار است هر فرد مسلمانی این دوازده نکته را بشناسد و مراعات کند. الآن نمی‌خواهم وارد بحث تأویل

---

<sup>۵</sup> محمد دشتی، نهج الحیة (فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام)، حدیث ۱۶۴.

عرفانی این حدیث شوم؛ امیدوارم خودتان فکر کنید. این غذاها می‌تواند هم مائده‌های زمینی باشد و هم مائده‌های آسمانی؛ می‌تواند طعام‌های دنیایی باشد و می‌تواند طعام‌های بهشتی باشد. در نکاتی که حضرت می‌فرمایند، به هر دو فکر کنید.

«أَرْبَعٌ مِنْهَا قَرْضٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا تَأْدِيبٌ» مراعات چهار مورد از این دوازده خصلت، واجب، مراعات چهار مورد مستحب و مراعات چهار مورد دیگر نشانه‌ی ادب و بزرگواری شخصی است که آنها را مراعات می‌کند.

«فَأَمَّا الْقَرْضُ» اما چهار خصلتی که واجب است:

اول: «فَالْمَعْرِفَةُ» معرفت؛ یعنی سر این سفره که نشسته‌ای، بدان میزبان و رزاق تو کیست؛ بدان که چه کسی این سفره را برای تو گسترده و چه کسی این رزق را برای تو مقدر کرده و در اختیار تو قرار داده است. بدون معرفت، سر این سفره ننشین.

دوم: «وَ الرِّضَا» راضی، خرسند و خشنود بودن به عطای الهی است. به هر چه که خدا روزی‌ات کرده، راضی و خرسند باش؛ چون خدای متعال دقیقاً آنچه را مناسب حال هر کس است، برای او مقدر و روزی می‌کند؛ در نتیجه آنچه برای تو مقدر شده، بهترین است؛ پس با روح رضایت و خشنودی، پذیرای آن باش. مضافاً بر اینکه چه چیزی ارزشمندتر از اینکه محبوب و معشوق انسان برای او طعامی آماده و او را مهمان کند و از او پذیرایی کند؟ مهم نیست طعامی که در آن مهمانی تهیه شده چه چیز است؛ مهم این است که این طعام را معشوق آماده کرده است و محبوب پذیرایی می‌کند. دومین ادبی که در غذا خوردن و سر سفره باید مراعات شود و مراعاتش واجب است، رضاست. انسان اهل رضا باشد؛ سر سفره‌ی زندگی‌اش که نشسته، راضی باشد. «رَضِيْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَنِي لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ»<sup>۱</sup> این جمله‌ی

---

۱. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۷۵ و محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای ابوحمزه‌ی ثمالی.

امام سجّاد علیه السلام در دعای ابوحمزه‌ی ثمالی است که در سحر ماه رمضان به خدا عرضه می‌دارد که خدایا از عیش و روزی، به آنچه که روزی من کردی، مرا راضی و خرسند بگردان.

سوم: «وَالْتَسْمِيَةُ» سومین امر واجب سر سفره‌ی رزق الهی، این است که انسان یادی از خدا کند؛ نامی از خدا بر زبان جاری کند. توجّه داشته باشد که سر سفره‌ی چه کسی نشست‌ام و با نام او، این سفره را آغاز کند. بسم اللّٰهی بگوید و بعد دست به سوی غذا دراز کند. با صاحب سفره سلام و علیکی کند؛ بعد مشغول استفاده از آنچه میزبان تدارک دیده است، شود.

چهارم: «وَالشُّكْرُ» چهارمین امری هم که واجب است، این است که انسان اهل شکر باشد؛ یعنی قدر روزی‌یی که خدای متعال عطا کرده را بداند. بداند که چه چیز ارزشمندی است و بداند این چیز ارزشمند را چه خدای کریم و بزرگی به او عطا کرده است؛ قدردان این عطیه‌ی الهی باشد. این چهار مورد، چهار امر واجب بودند.

بعد حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «وَأَمَّا السُّنَّةُ» اما چهار امری که مستحب است انسان سر سفره‌ی رزق الهی مراعات کند، این است:

«فَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ» قبل از اینکه مشغول خوردن غذا شود، وضو بگیرد و با وضو سر سفره‌ی غذا بنشیند. فرصت نیست مصادیق وسیع ترش را باز کنم که اصل و حقیقت وضو چیست و وضوی قبل از طعام به چه معناست؛ تطهیری که باید قبل از طعام انجام شود، تزکیه‌یی که باید قبل از علم صورت گیرد، چیست؟ «فَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ» این اولین امر مستحب که قبل از غذا خوردن وضو بگیرد.

«وَالْجُلُوسُ عَلَى الْجَانِبِ الْأَيْسَرِ» دومین امر مستحب این است که به جانب چپ بنشیند. معنای مشهورش این است که وقتی می‌نشیند، سنگینی بدن را به سمت چپ بدن بدهد؛ شبیه نماز

که مستحب است در جلسه‌ی بین سجدتین و در جلسه‌ی شهادت و تشهّد، انسان سنگینی بدن را به سمت چپ بدهد که معانی باطنی قشنگی دارد.

سومین امر مستحب «وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ» اینکه با سه انگشت غذا بخورد. در آن زمان با قاشق غذا نمی‌خورند؛ با دست غذا می‌خورند. با سه انگشت مقدار کمی غذا می‌شود برداشت؛ بعضی‌ها مشت می‌کردند و غذا می‌خورند؛ یعنی لقمه‌ها را کوچک بردارد؛ لقمه‌های بزرگی که تمام فضای دهان را پر کند بردارد.

نکته‌ی چهارم هم ظاهراً این بوده که در حال نشسته غذا بخورد؛ سر پا ایستاده غذا نخورد. این هم ادب دیگری است که مراعات آن مستحب است؛ اینکه فرد بنشیند و غذا بخورد. مثل بعضی از مهمانی‌هایی که مهمان‌ها را ایستاده پشت میز، سرو می‌کنند، نباشد.

«وَأَمَّا التَّأْدِيبُ» اما چهار نکته‌ای که شرط ادب است و بیانگر مؤدّب بودن شخص و بزرگواری فرد است، این است: حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «فَالْأَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ» چیزی که نزدیک است را بخور؛ مثلاً دست دراز نکنی و از جلوی میهمان دیگری چیزی را به سمت خودت بکشی و بخوری؛ اینها نکته‌های معرفتی خیلی زیبایی دارد؛ یعنی فرد در زندگی دست درازی نکند؛ از همان چیزی که خدا روزی‌اش کرده است، استفاده کند و به همان قانع باشد؛ دست دراز نکند که بخواهد حقوق دیگران را به سمت خود بکشد.

«وَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ» و کوچک گرفتن لقمه که این «وَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ» هم معنای معرفتی دارد؛ یعنی انسان در زندگی لقمه‌ی کوچک بردارد و لقمه‌های بزرگ گلوگیر بردارد. در زندگی‌اش به کم راضی باشد و خیلی زیاده‌طلب و حریص و طماع نباشد.

«وَالْمَضْغُ الشَّدِيدُ» سومین ادب در خوردن غذا این است که خیلی غذا را بجود. اینها دستور- العمل‌هایی است که در پزشکی هم به شدت مورد تأکید است که جویدن غذا چه آثار عجیبی دارد. وقتی غذا زیاد جویده می‌شود و با بزاق دهان ترکیب می‌شود، موادّ جدیدی از

این ترکیب تولید می‌شود که وارد بدن انسان می‌شود؛ در حالی که وقتی انسان غذا را نجویده قورت می‌دهد، آن ترکیب ایجاد نشده است؛ ضمن اینکه بخشی از هضم غذا که باید در دهان توسط دندان‌ها صورت می‌گرفت، به معده محوّل می‌شود و معده هم از پس آن بر نمی‌آید و بیماری‌های مختلفی مثل زخم معده و کولیت و امثال اینها به سراغ فرد می‌آید. جویدن شدید، مورد تأکید پزشکان است.

در جنبه‌ی معرفتی هم این است که «و الْمَضْغُ الشَّدِيدُ» وقتی چیزی یاد گرفتی، مثل لقمه‌ای که مدام می‌جوی که خوب هضم شود، روی آن نکته مکرراً فکر کن؛ روی آن مطالعه و تفکر کن. یک‌بار در جلسه شنیدن کافی نیست، برو سی‌دی‌ها را بگذار و دوباره گوش کن. لقمه را وقتی زیاد نمی‌جوی، داخل معده می‌رود و معده هم نمی‌تواند آن را هضم کند، در نتیجه انسان دچار سنگینی می‌شود. لقمه‌ی معرفتی را هم اگر فرد قشنگ هضم نکرده باشد، غرور و ادعا می‌آورد و فردا می‌گوید من عارف بزرگی هستم؛ من قطب الاقطاب هستم؛ بیاید دست مرا ببوسید و سر به من بسپارید و نذر من کنید و... «و الْمَضْغُ الشَّدِيدُ» اینکه انسان زیاد و شدید لقمه را بجود.

و نکته‌ی چهارم «و قَلَّةُ النَّظْرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ»<sup>۷</sup> به چهره‌های مردم کم نگاه کند. سر سفره که نشست، لقمه‌های دیگران را بشمارد و سرش را پایین بیندازد. به تعبیر قرآن که می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»<sup>۸</sup> انسان باید به غذای خودش نگاه کند؛ به همان که خدا روزی‌اش کرده است نگاه کند؛ چشم به چیزهایی که به دیگران داده شده است، ندوزد؛ این خلاف ادب است. سر سفره، خلاف ادب است که فرد مدام لقمه‌های دیگران را بشمارد و چشمش

<sup>۷</sup> محمد دشتی، نهج الحیة (فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها سلام)، حدیث ۳۰.

<sup>۸</sup> سوره‌ی عبس، آیه‌ی ۲۴.

به این باشد که این چه خورد و آن چه خورد. در زندگی هم خلاف ادب است که نگاه کنم و ببینم فلانی چه دارد؛ فلانی چه دارد؛ فلانی چه دارد. بنا به روایات، کسی که این گونه است دچار عدم رضایت و سخط از خدا در زندگی می شود؛ چون چشمش را به چیزهایی که دیگران در زندگی دارند، دوخته است. چیزهایی که دیگران دارند به مصلحت دیگران بوده است. اگر به مصلحت تو هم بود، خدا داشت که به تو هم بدهد. بخیل نبوده، یادش نرفته و چرتش هم نبرده است؛ اگر مصلحت تو در آن بود، به تو هم می داد. وقتی به چیزهایی که نداری و به دیگران داده شده است چشم می دوزی، دچار دلخوری از خدا می شوی که خدا به من این چیزها را نداده است. از یک طرف رابطات با خدا تیره می شود و از طرف دیگر، وقتی چشمت مدام به چیزهایی که دیگران دارند دوخته است، چیزی که خدا به خودت داده را نمی بینی که کیف آن را بکنی؛ یعنی مدام لقمه های دیگران را می شماری و اصلاً نگاه نمی کنی که غذایی که جلویت گذاشته اند، چه غذای خوشمزه ای است و بخوری و کیف آن را بکنی و از سر سفره هم گرسنه بلند می شوی.

حدیث پنجم:

یکی از دوستان اهل بیت علیهم السلام در مدینه همسر خود را با پیغامی خدمت حضرت زهرا علیها السلام فرستاد و آن پیغام این بود که از حضرت زهرا علیها السلام سؤال کن که من از شیعیان شما اهل بیت هستم یا نه؟ به خانمش گفت برو از حضرت زهرا علیها السلام این سؤال را بپرس. وقتی خانم این سؤال را پرسید، حضرت در پاسخ فرمودند به شوهرت بگو: « **إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمْرَاكَ، وَ تَتَّبِعِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا، وَإِلَّا فَلَا** » اگر به چیزهایی که ما تو را به آنها امر کردیم، عمل می کنی و از چیزهایی که تو را از آن بر حذر داشتیم، پرهیز و اجتناب می کنی، از شیعیان ما هستی؛ در غیر این صورت، شیعه ای ما نیستی. شیعه ای ما کسی است که به دستورات ما عمل می کند. خانم به خانه برگشت و به شوهرش گفت: فاطمه ای زهرا علیها السلام چنین چیزی

فرمودند. این مرد به شدت مضطرب و ناراحت شد؛ چون می‌دید بعضی جاها خرابکاری هم دارد؛ در انجام بعضی از اوامر معصومین علیهم‌السلام می‌لنگد؛ بعضی جاها مرتکب تخلف از فرمانشان می‌شود و چیزی را که نهی کرده‌اند، مرتکب می‌شود. بر سر خود زد و شروع کرد به گریه کردن که پس من برای همیشه جهنمی شدم؛ به شدت مغموم شد و می‌گریست. خانمش ناراحت شد و دوباره خدمت حضرت زهرا علیها‌السلام آمد و ماجرا را تعریف کرد و گفت خانم! جواب شما را که به شوهرم دادم، منقلب شد و دیگر از گریه دست بردار نیست و می‌گوید من برای همیشه مخلد در دوزخ شدم.<sup>۱</sup> حضرت زهرا علیها‌السلام به این خانم فرمودند: «قُولِي لَهُ» برو به شوهرت بگو «لَيْسَ هَكَذَا» اینگونه هم که تو می‌گویی نیست «شِيعَتَنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» شیعیان ما از خوبان اهل بهشتند. «وَكُلُّ مُحِبِّينَا وَ مُوَالِي أَوْلِيَانِنَا، وَ مُعَادِي أَعْدَائِنَا، وَ الْمُسَلِّمُ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا لَيْسُوا مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا خَالَفُوا أَوْامِرَنَا وَ نَوَاهِينَا فِي سَائِرِ الْمُتَوَقَّاتِ وَ هُمْ مَعَ ذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ وَ لَكِنْ بَعْدَ مَا يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلَايَا وَ الرِّزَايَا أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شِدَائِدِهَا أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بَعْدَ إِهْلِهَا إِلَى أَنْ نَسْتَقْدِمَهُمْ - بِحُبِّنَا - مِنْهَا، وَ نَنْقُلَهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا» اما همه‌ی کسانی که از دوستان ما اهل بیت هستند و دوستان ما را دوست و دشمنان ما را دشمن می‌دارند و با قلب و زبانشان تسلیم ما هستند؛ یعنی هم با زبان به ولایت ما اقرار می‌کنند و هم با دل باور دارند که ما ولایت داریم و واجب‌الاطاعه و حجت خدا هستیم؛ «لَيْسُوا مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا خَالَفُوا أَوْامِرَنَا وَ نَوَاهِينَا» اینها وقتی که با اوامر و نواهی ما مخالفت می‌کنند، البته، جز در این موارد، یعنی منکر ولایت ما نمی‌شوند؛ دوستان دشمن ما نمی‌شوند؛ دشمن دوست ما نمی‌شوند؛ نسبت به محبت ما نمی‌لنگند؛ این گناهان را ندارند؛ اما در سایر موارد، از اوامر و نواهی ما تخلف هم می‌کنند؛ شیعه‌ی ما

<sup>۱</sup> «فَرَجَعْتُ، فَأَخْبِرْتُهُ، فَقَالَ: يَا وَيْلِي - وَ مَنْ يَنْفَكُ مِنَ الدُّنُوبِ وَ الْخَطَايَا، فَأَنَا إِذَنْ خَالِدٌ فِي النَّارِ، فَإِنَّ مَنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِهِمْ فَهُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ؛ فَرَجَعَتِ الْمَرْأَةُ فَقَالَتْ لِطَائِمَةَ ع مَا قَالَ لَهَا زَوْجُهَا».

نیستند؛ محبّ ما هستند و با وجود این «وَهُمْ مَعَ ذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ» جای محبّین خطاکار در بهشت است. اینها کی در بهشت جا پیدا می کنند؟ «وَلَكِنْ بَعْدَ مَا يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ» بعد از این که از گناهانشان پاک شوند. چگونه از گناهانشان پاک می شوند؟ «بِالْبَلَايَا وَالرَّزَابِ» در طول زندگی شان مشکلات و دشواری هایی گریبان گیرشان می شود؛ مثلاً فقر، گرفتاری، بیماری و سختی بی می آید و اینها در اثر فشار آن سختی ها در همین دنیا پاک می شوند؛ یا در عالم برزخ با عذاب های عالم برزخ و فشار قبر و امثال اینها پاک می شوند؛ «أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شِدَائِدِهَا» یا در صحنه ی محشر و روز قیامت که فشارها بسیار عظیم و سنگین است، زیر آن فشارها از آلودگی به گناهان پاک می شوند. اگر آلودگی آنها از این هم عمیق تر بود، «أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بِعَذَابِهَا» به جهنّم می روند؛ اما به ته جهنّم نمی روند؛ همان بالای جهنّم عذاب می بینند و با آن عذاب از آن گناهان پاک می شوند. «إِلَى أَنْ نَسْتَنْقِذَهُمْ - بِحُبِّنَا - مِنْهَا، وَ نَنْقُلَهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا» وقتی در دنیا با سختی هایی که دیدند؛ یا در عالم برزخ با دشواری هایی که تحمل کردند؛ یا در صحنه ی محشر با فشارهایی که متحمل شدند؛ یا با عذاب هایی که در طبقه ی اوّل دوزخ تحمل کردند؛ از گناهان پاک شدند، آن وقت ما به خاطر محبتی که آنها نسبت به ما دارند، می آییم و آنها را نجات می دهیم و آنها را به بهشت در حضور خودمان منتقل می کنیم.

این حدیث، حدیث بسیار مهمی است در بحث اینکه اوّلاً فرق شیعه و محبّ چیست؛ دوم اینکه آیا ممکن است محبّان اهل بیت علیهم السلام به دوزخ هم بروند یا نه؟ این حدیث می گوید بله اگر گناهانشان قبل از رسیدن به دوزخ پاک نشده باشد، ممکن است به دوزخ هم بروند. البته امیدواریم که اوّلاً دوستان اهل بیت علیهم السلام اینجا خودشان را آلوده به گناه نکنند؛ ثانیاً اگر گناهی هم آمد، با استغفار و توبه و اشک ریختن در مصائب اهل بیت علیهم السلام خصوصاً ابا عبدالله - الحسین علیه السلام که کدورت گناه را می شوید، روح و جان خود را پاک و تطهیر کنند که اصلاً

گناهی با خودشان از این عالم به عوالم بعدی نبرند؛ ولی اگر خدای ناکرده در این زمینه‌ها کاستی داشتند و گناهی با آنها رفت، ان شاء الله دشواری‌های عالم برزخ آنها را پاک می‌کند. امام صادق علیه السلام یک‌بار به یکی از دوستانشان فرمودند که در مورد قیامتتان خیالتان راحت باشد. ما می‌آییم و شفاعت می‌کنیم و نجاتتان می‌دهیم؛ اما من امام صادق به خاطر عالم برزخ نگران شما هستم؛ چون در عالم برزخ خودتان هستید که باید کاری برای خودتان کرده باشید<sup>۱</sup>. اگر در عالم برزخ پاک نشد، در صحنه‌ی محشر دشواری‌هایی را می‌بیند و پاک می‌شود و اگر پاک نشد؛ حتی ممکن است در طبقه‌ی اول دوزخ هم وارد شود و با آتش دوزخ چرک و زنگار گناه را از روح و جان او بسوزانند و بریزند تا پاک شود و بعد بتواند برای دریافت شفاعت اهل بیت علیهم السلام و ورود به بهشت و هم‌جواری با اهل بیت علیهم السلام آمادگی پیدا کند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

---

۱. «... وَ لَكِنِّي وَ اللَّهُ أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرْزَخِ قُلْتُ وَ مَا الْبَرْزَخُ قَالَ الْقَبْرُ مِنْذُ جِئَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۴۲.